

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهيم  
بدین بوم وير زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهيم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

عبداللطيف صديقي لندري

کانادا - ۱۵ مارچ ۲۰۱۰

## دو بيتي ها

(بخش اول و دوم)

الهی با که گویم راز خود را؟  
به سوی آسمان پر می کشایم  
طنین ناله و آواز خود را  
کنم موزون تا پرواز خود را

\*\*\*

بیاتایم در گلشن عشق  
شهاب عشق در جانم بتابد  
بسوی آسمان روشن عشق  
که می خواهم شدن در جوشن عشق

\*\*\*

تو هستی مستی و شور جوانی  
غم دنیا و عقبا را ندارم  
نباشد بی تو در سر زندگانی  
مرا هستی فروغ جاودانی

\*\*\*

بیاتایم گویم راز خود را  
بیا یک شب که با تار ربایم  
چرا پنهان کنم این ساز خود را  
کنم پنجه کشم آواز خود را

\*\*\*

بدست من همین کهنه رباب است  
چو من بنوازمش با لطف خاصی  
که در هر تار آن صد راز ناب است  
که تارش همچو جان من کباب است

\*\*\*

ز شعرم ناله مستانه خیزد      ز نوش لعل تو پیمانۀ خیزد  
تو باشی مستی و شور جنونم      به عشق تو دل از دلخانه خیزد

\*\*\*

لبان مست و شیرینت که دارد؟      رخ خوشبوی و رنگینت که دارد؟  
چو غنچه آن لب مست تو نازم      شراب لعل میگونت که دارد؟

\*\*\*

یک چند شدم در پی آسیب زمانه      تا خوب ببینم شرف و زیب زمانه  
هرگز نه وفا و نه عطا بود نصیبم      باور نه مرا هست به تهذیب زمانه

\*\*\*

من عاشق زار بار جفای تو کشم      چون دیده و جان درد و بلای تو کشم  
گر این دل و جان من به کارت باشد      قربان تو کرده و به پای تو کشم

\*\*\*

از سوز شده میل دلم چنگ و چغانه      وانگه بنمایم یکی دو بیت روانه  
برباد شدم از ستم مکر زمانه      مجنون صفتم نیست مرا دشت و کرانه

\*\*\*

ای یار ببین از همه سو، سوی تو آیم      آیم به خدا، سوی دو ابروی تو آیم  
بیا این تن افسرده و با حالت زارم      گردی شوم و در خم گیسوی آیم

\*\*\*